

دکتر گری میدورز، رساله اول قرن‌تیان، سخنرانی ۵ تمرین فرآیند اعتبارسنجی در مطالعه کتاب مقدس

گری میدورز و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر گری میدورز هستم در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تیان. این سخنرانی شماره ۵ با عنوان «تمرین فرآیند اعتبارسنجی در مطالعه کتاب مقدس «است»

به سخنرانی شماره ۵ در این مقدمه بر اول قرن‌تیان خوش آمدید

امروز، ما قصد داریم به چیزی که اعتبارسنجی می‌نامیم نگاهی بیندازیم. این اصطلاح از جزوه‌ای که امروز دارید به یک اصطلاح فنی تبدیل خواهد شد. شما باید یادداشت شماره ۴ این سخنرانی خاص را داشته باشید که عنوان آن تمرین فرآیند اعتبارسنجی در مطالعه کتاب مقدس است

حال، این آخرین مورد از این نوع سخنرانی‌های مقدماتی ویژه است. سخنرانی بعدی که انجام خواهیم داد، در واقع مقدمه‌ای نسبتاً جامع بر خود رساله اول قرن‌تیان خواهد بود، اما می‌خواستم این سه موضوع اصلی را با شما در میان بگذارم، زیرا آماده می‌شویم تا کتابی از کتاب مقدس انگلیسی را مطالعه کنیم. از آنجایی که من شما را فقط در این محیط خاص و در این دوره خاص دارم، نه در برنامه درسی یک مدرسه، علاقه‌مند بودم این مواردی را که فکر می‌کنم برای تفسیر کتاب مقدس، به ویژه به عنوان یک دانشجوی کتاب مقدس، به ویژه کتاب مقدس انگلیسی، بسیار حیاتی هستند، با شما به اشتراک بگذارم.

ما در مدت زمان بسیار کوتاهی درباره تعداد زیادی کتاب مقدس صحبت کردیم تا شما بتوانید ایده‌ای از چگونگی استفاده از این حجم عظیم ترجمه‌ها به نفع خود داشته باشید. همچنین می‌توانید از ترجمه‌های کتاب مقدس آگاه شوید تا بتوانید به مردم خود در مواجهه با انواع مختلف این نسخه‌ها کمک کنید. ما همچنین درباره چگونگی تعلیم کتاب مقدس صحبت کردیم.

کتاب مقدس به شیوه‌ای مستقیم، ضمنی و خلاقانه تعلیم می‌دهد. در واقع، ما اینگونه از کتاب مقدس تعلیم می‌گیریم. و این یک الگوی بسیار مهم برای درک است.

هر آیه کتاب مقدس که مطالعه می‌کنید، در یکی از این قطعات هرم قرار می‌گیرد. یا معنای مستقیمی از آن دریافت می‌کنید، یا شاید به طور ضمنی به چیزی اشاره دارد، یا کسی آن را در قالب یک ساختار خلاقانه ادعا می‌کند. می‌توانید هر متنی را به نحوی ذیل این سه دسته قرار دهید.

و شما همیشه باید بدانید وقتی با کتاب مقدس به عنوان مدرکی برای چیزی سر و کار دارید، در کجای آن الگو قرار دارید. امروز آخرین مورد از این سه مورد خاص است، و این همان موضوعی است که من آن را اعتبارسنجی می‌نامم. در اینجا هیچ چیز خیلی فنی وجود ندارد.

این صرفاً استفاده از آن اعتبارسنجی کلمه است تا به شما کمک کند تصور کنید که در مطالعه کتاب مقدس چه اتفاقی می‌افتد. لطفاً، اگر مایل باشید، به دفترچه یادداشت شماره چهار خود، در بالا، پاراگراف اول توجه کنید. من این را نسبتاً کامل نوشته‌ام و مقداری از آن را اینجا برای شما می‌خوانم تا بتوانید آن را بشنوید و در موردش فکر کنید.

گاهی اوقات، هنگام خواندن، می‌توانم بر جنبه‌های خاصی تأکید کنم، که باعث می‌شود شما راحت‌تر منظور مرا متوجه شوید. بسیار خوب، اصطلاح اعتبارسنجی صرفاً فرآیندی را که طی آن تفاسیر رقیب از متن کتاب

مقدس را اعتبارسنجی می‌کنیم، در بر می‌گیرد. ما قبلاً زیاد در مورد این واقعیت صحبت کرده‌ایم که ما یک کتاب مقدس داریم، و با این حال، حتی زیر چتر الهیات ارتدکس کلیسای جهانی، بازنمایی‌های زیادی از آن کتاب مقدس داریم.

یک کتاب مقدس، تفاسیر بسیار. خب، ما سعی کرده‌ایم در مورد چگونگی این امر صحبت کنیم. و این جنبه‌ی دیگری از آن است. وقتی اعتبارسنجی می‌کنید، این تنوع را آشکار می‌کنید.

اعتبارسنجی دیدگاه‌ها در مورد هر متن مشخص، صرفاً بیرون کشیدن آنها از ادبیاتی است که آن دیدگاه را نشان می‌دهد. و این بسیار مهم است. بگذارید تأکید کنم.

ادبیاتی که نمایانگر آن دیدگاه است. گاهی اوقات دانشجویان تازه کار، دانشجویانی که تازه روند مطالعه را شروع کرده‌اند، کتابی پیدا می‌کنند و آن کتاب به راحتی به شما می‌گوید که پنج دیدگاه در مورد معنای دوباره متولد شدن یا معنای لمس نکردن یک زن یا معنای برخاستن از مرگ چیست. خب، آن کتاب هر پنج دیدگاه را در بر نمی‌گیرد.

آن کتاب حداقل نمایانگر چهار دیدگاه از دیدگاه‌های افراد دیگر است. حالا، اگر آن کتاب، کتاب خوبی باشد، و این کار را بکند، کلی پانویس خواهد داشت. پانویس نداشتن، فایده‌ای ندارد.

این معمولاً ضرب‌المثلی است که برای انواع کتاب‌هایی که می‌خرید، وجود دارد. پاورقی نداشته باشید، خوب نیست. بنابراین، اگر همین یک کتاب را دارید و برای تأیید ارائه این دیدگاه‌ها، پاورقی‌هایی به شما می‌دهد، فوراً متوجه می‌شوید که از طرف مردم چیزی نمی‌شنوید.

شما از این نویسنده‌ای که نماینده این افراد است، می‌شنوید. شما در حال استفاده از چیزی هستید که به عنوان منابع ثانویه شناخته می‌شود. شما از چیزی استفاده می‌کنید که چیز دیگری را گزارش می‌دهد.

این یک منبع ثانویه است. حال، مواقعی وجود دارد که این می‌تواند راحت و مفید باشد. و اگر نویسنده‌ی خیلی خوبی دارید که این کار را انجام می‌دهد، پای اعتماد به نفس در میان است.

با این حال، این در فرآیند بزرگ‌تر اعتبارسنجی قابل قبول نیست. کاری که شما انجام می‌دهید این است که به آن پاورقی‌ها نگاه می‌کنید و آن مطالب را بازیابی می‌کنید تا بتوانید مستقیماً از دهان صاحب نظر آن را بشنوید. بنابراین، این مسئله اعتبارسنجی همیشه نشان دهنده شخصی است که واقعاً دیدگاهی دارد.

آنها به احتمال زیاد در این دیدگاه ذینفع هستند. آنها قوی‌ترین استدلال خود را ارائه خواهند داد. شما نمی‌خواهید استدلال آنها توسط کسی که می‌خواهد استدلال آنها را رد کند، ارائه شود.

این لزوماً به این دلیل نیست که نویسنده‌ی دیگری صادق نخواهد بود، بلکه آنها قرار نیست این کار را به همان روشی که نویسنده‌ی اصلی انجام می‌دهد، انجام دهند. و در یک تحقیق خوب، شما همیشه باید به منبع اصلی مراجعه کنید، نه به یک منبع ثانویه. بنابراین، اعتبارسنجی دیدگاه‌ها صرفاً به معنای آشکار کردن ادبیات است.

دیدگاه‌ها را آشکار کنید. برای سازماندهی آنچه می‌گویند. برای مقایسه ادعاهای هر یک با دیگری.

چون، می‌بینید، آنها از یک آیه استفاده می‌کنند. چطور ممکن است یک نفر در مورد آیه این را بگوید و دیگری آن را؟ شما می‌خواهید بفهمید که آنها چه می‌گویند و سعی کنید ببینید که چگونه می‌توانند دیدگاه

متفاوتی در مورد آن متن ارائه دهند. و سپس این دیدگاه‌ها را در یک لیست خرید خوب سازماندهی و دسته‌بندی می‌کنید.

و با آن فهرست نظرات مربوط به خرید مواد غذایی، دلایل اصلی آنها برای داشتن آن دیدگاه خاص را دارید. حالا ممکن است کمی همپوشانی وجود داشته باشد، مثلاً وقتی پنج دیدگاه در مورد چیزی دارید، دلایل را هم در نظر بگیرید. اما می‌خواهید آن را از پایگاه ادبیات خارج کنید.

زیرا این به مجموعه‌ای از اطلاعات تبدیل می‌شود که شما قرار است بر اساس آن تأمل کنید تا قضاوتی منطقی در مورد متن کتاب مقدس داشته باشید. به حروف برجسته توجه کنید. اعتبارسنجی صرفاً فرآیند تحقیقی است که اطلاعات مورد نیاز مفسران را برای تصمیم‌گیری‌های منطقی در مورد معنای متون کتاب مقدس فراهم می‌کند.

همین. خب، این می‌تواند کلی کار ببرد. و اگر در مکانی هستید که از یک کتابخانه خوب دور افتاده‌اید، اگر در بخشی از دنیا هستید که حتی نمی‌توانید چند مایل رانندگی کنید تا به یک کتابخانه خوب برسید، درک می‌کنم. که چنین چیزی چقدر می‌تواند مشکل‌ساز باشد.

این موضوع، وقتی چیزی مانند کتاب اول قرن‌تین را مطالعه می‌کنید، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که دو تا چهار یا پنج تفسیر خوب داشته باشید که این کار را انجام دهند تا پایه ادبی خوبی برای قضاوت در مورد متن داشته باشید. به یک معنا، دوستان من، این همان چیزی است که خدا شما را به انجام آن فراخوانده است. حالا، می‌خواهم چیزی را ذکر کنم، اما نمی‌توانم آن را همین جا باز کنم.

خیلی وقت‌ها، مردم از این فرآیند عبور می‌کنند. گاهی اوقات، ممکن است شما به عنوان کسی که به من گوش می‌دهد بگویید: «من دوست ندارم کسی به من بگوید که باید در مورد معنای کتاب مقدس استدلال کنم. فقط باید دعا کنم و از روح القدس بخواهم که معنای کتاب مقدس را به من بگوید.»

خب، خبر بدی برایتان دارم. این یک سوءتفاهم در مورد نقش روح القدس است. نقش روح القدس این نیست که به شما بگوید کتاب مقدس چه معنایی دارد.

نقش روح القدس این است که شما را متقاعد کند که معنای کتاب مقدس مهم است و شما را ترغیب کند تا به میدان بیایید و کاری را که برای آشکار کردن آن معنا لازم است انجام دهید. انجام این کار خدا را جلال می‌دهد. او شما را آفریده است تا فکر کنید، احساس کنید، انتخاب کنید و این نوع کارها را انجام دهید، که نشان می‌دهد شما به تصویر او آفریده شده‌اید.

و اگر بتوانید بی‌طرف و صادق باشید، می‌توانید ببینید که این دقیقاً ماهیت تجربه مسیحی ماست. ما تنوع داریم. ما در مورد معنای این متون بحث داریم.

و اینکه صرفاً با گفتن اینکه روح القدس چنین و چنان گفته است، از برگ برنده برای بستن بحث استفاده نکنیم، نوعی شانه خالی کردن از مسئولیت است. روح القدس ما را متقاعد می‌کند که کتاب مقدس مهم است و ما را به دنبال کردن آن ترغیب می‌کند. شهادت روح القدس همان فرآیندی است که این اتفاق از طریق آن رخ می‌دهد.

حالا، کمی بیشتر در مورد این موضوع در اول قرن‌تین ۲ صحبت خواهیم کرد. اما اینکه ادعا کنیم روح القدس به شما می‌گوید کتاب مقدس چه معنایی دارد، طفره رفتن مطلق از مسئولیت پیگیری کتاب مقدس

است. حالا، هر کسی که به منابع دسترسی دارد، و این یک سوال بزرگ است، می‌دانم. این ممکن است برای بسیاری از شما یک چالش باشد.

بگذارید فقط یک نکته را بگویم: هیچ دانشگاهی را که ممکن است در فاصله رانندگی باشد، دست کم نگیرید. ممکن است از نوع کتابخانه‌ای که دارند شگفت‌زده شوید. بسیاری از دانشگاه‌ها با حمایت فرقه‌های مذهبی شروع به کار کردند و مدت‌هاست که آن فرقه را رها کرده‌اند، اما کتابخانه را دور نینداخته‌اند.

شما می‌توانید خیلی سریع با رفتن به آنجا و جستجو، آن کتابخانه را پیدا کنید. اینترنت بسیار مفید است و مدام در حال بهتر شدن است. اما باید به شما هشدار بدهم که مشکل اینترنت، اعتبارسنجی کسی است که چیزی به شما می‌گوید، اینکه آیا آنها صلاحیت اظهار نظر دارند یا خیر.

این خودش تبدیل به یک چالش می‌شود، چالشی که باید با آن کنار آمد. من با آن کنار می‌آیم. گاهی اوقات برای پیدا کردن اطلاعات به اینترنت مراجعه می‌کنم.

از ویکی‌پدیا [یعنی ویکی‌پدیا] استفاده کنم، و عمداً از این جناس کوچک استفاده می‌کنم، ویکی‌پدیا. باید خیلی مراقب باشید چون آنجا یک انجمن آزاد است که افراد می‌توانند اطلاعات خود را در آن وارد کنند. حالا شاید بتواند تصویر کلی از چیزی را به شما بدهد، اما نمی‌توانید آن را به عنوان یک منبع قابل اعتماد در نظر بگیرید.

وقتی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی تدریس می‌کنم، به دانشجویان اجازه نمی‌دهم از این نوع منبع به عنوان اعتبارسنجی چیزی استفاده کنند. شما باید به منابع منتشر شده واقعی مراجعه کنید. اکنون می‌توانید این کار را از طریق بسیاری از منابع کامپیوتری مدرن، مانند لوگوس، انجام دهید.

یا آه یا اوه خواهد بود. و مطالب عالی زیادی وجود دارد که O می‌توانید بگویید لوگوس یا لوگوس. حرف می‌توانید از آنها یاد بگیرید.

توصیه من این نیست که بسته بزرگ و عالی آنها را بخرید، بلکه یک بسته مقدماتی بخرید و سپس به موارد خاصی که در بسته‌های ارائه شده توسط آنها وجود دارد نگاهی بیندازید. اما بروید و به دنبال نظرات باشید. آنها مجموعه شگفت‌انگیزی از موارد دارند که می‌توانید در برنامه لوگوس خود وارد کنید.

حتی اگر چندین تفسیری که ذکر کردم را داشته باشید، می‌توانید آنها را استخراج کنید. گاهی اوقات، حتی می‌توانید آن کتاب‌ها را بخرید و لازم نیست کل برنامه را بخرید زیرا آنها به اندازه کافی موتور جستجو دارند. که به هر حال می‌توانید از آنها در رایانه خود استفاده کنید. می‌توانید آن را بررسی کنید.

احتمالاً شما در مورد کامپیوتر از من باهوش‌تر هستید. بنابراین، دسترسی به منابع، اساس توانایی مطالعه کتاب مقدس به روش مناسب است. وقتی این منابع را داشته باشید، پایه و اساس کاری را که ما اعتبارسنجی می‌نامیم، دارید.

سطح بعدی فرآیند تفسیر، قضاوت آگاهانه در مورد معنا و متنی است که از این منابع به دست می‌آورد. این جنبه مستلزم درک جنبه‌های مختلف تفسیر است که به عنوان هرمنوتیک طبقه‌بندی می‌شوند. لازم نیست در این زمینه متخصص باشید.

اگر می‌توانید بخوانید، و اگر انرژی و انگیزه‌ی لازم برای یافتن چیزها را دارید، این فرآیند را آغاز کرده‌اید. به این عبارت تاریک، هرمنوتیک، توجه کنید. به یاد داشته باشید، این همان کلمه‌ای است که برای تفسیر به کار می‌رود.

هرمنوتیک یک فعالیت است. یک فعالیت است. فعالیت است که بر اساس یک مهارت انجام می‌شود و توسط اصول و روش‌های تفسیری هدایت می‌شود.

می‌بینید، اعتبارسنجی چیزی جز یک کلمه‌ی شیک نیست که چتری باشد که زیر آن فعالیتِ دنبال کردن کتاب مقدس انجام می‌شود. و وای، این می‌تواند، بله، کار زیادی باشد، اما می‌تواند خیلی هم سرگرم‌کننده باشد. این یک کشف است.

شما گنجی دارید که به دنبال کشف آن هستید و هر چه بیشتر بخوانید، چیزهای بیشتری کشف خواهید کرد. این بخشی جدایی‌ناپذیر از یک دانشجوی خوب کتاب مقدس بودن است.

هر کسی که در این سخنرانی‌ها در مورد اول قرن‌تین شرکت می‌کند، در مورد آنچه معلم ارائه می‌دهد قضاوت خواهد کرد. می‌دانید، من نمی‌خواهم شما همیشه با من موافق باشید، و همیشه می‌خواهم به منابعی که من بررسی می‌کنم نگاه کنید و فراتر از آن، ببینید آیا گزینه‌های دیگری وجود دارد یا خیر. سوال این است که چگونه قضاوت می‌کنید؟ آیا این صرفاً یک فرآیند ذهنی در مورد احساس شما در مورد آنچه معلم ادعا می‌کند یا کتاب مقدس می‌گوید، است؟ اگر کسی به من بگوید، احساس می‌کنم کتاب مقدس این را می‌گوید، خب، برایم مهم نیست که شما چه احساسی دارید.

ممکن بود یک کامیون بزرگ تو را زیر بگیرد. خیلی احساس خوبی نداشتی، اما اگر کتاب مقدس را مطالعه کرده بودی، می‌توانستی چیزی در مورد آن به من بگویی. یا اینکه یک فرآیند مطالعه داری، مانند آنچه اهالی بیریه در اعمال رسولان ۱۷ انجام می‌دهند، که آنچه کتاب مقدس واقعاً تعلیم می‌دهد را بررسی می‌کند؟ آنها پولس را روی تشک گذاشتند و گفتند، ما می‌خواهیم این را بررسی کنیم و ببینیم در اینجا چه فکر می‌کنیم.

بررسی آن می‌توانست یک فرآیند باشد. آنها در زمان و مکان خودشان و با مهارت‌هایشان، فرآیند بررسی این شخص را که رسول نامیده می‌شد، انجام می‌دادند. بنابراین، اعتبارسنجی صرفاً فرآیندی است که طی آن شما می‌گویید، در اینجا پنج دیدگاه در مورد این متن وجود دارد که ادبیات کتاب مقدس واجد شرایط ارائه می‌دهد، و سپس شما به طور سیستماتیک ادعاهای هر یک را ارزیابی می‌کنید تا به سمت چیزی که فکر می‌کنید به بهترین شکل نمایانگر آموزه‌های نویسنده است، حرکت کنید.

اگر از تفاسیر خوب استفاده کنید، خواهید دید که این فرآیند اعتبارسنجی در واقع چگونه کار می‌کند. یک مجموعه تفسیر خوب وجود دارد که تقریباً همیشه از آن کمک می‌گیرم. این مجموعه کمی پیشرفته است.

و همانطور که گفتم، خودتان متن بالا را بخوانید؛ متن پایین را نخوانید. اما به آن تفسیر کلام کتاب مقدس می‌گویید. آنها هم کل عهد عتیق و هم عهد جدید را دارند.

تفسیر کتاب مقدس در ورد تقریباً در تمام برنامه‌های کامپیوتری اصلی برای مطالعه کتاب مقدس موجود است. و من اکیداً آن را توصیه می‌کنم. گران است.

خرید آن به صورت کامپیوتری بسیار ارزان‌تر از خرید تک تک جلدها است. اما تفسیر کتاب مقدس در ورد تقریباً همیشه این فرآیند اعتبارسنجی را به شما ارائه می‌دهد. بسیار خب.

حالا، اگر از این تفاسیر خوب مثل «کلام کتاب مقدس» استفاده کنید، نمونه‌هایی را خواهید یافت. حالا، من یکی را در یادداشت‌ها برای شما آورده‌ام. در اول قرن‌تین نیست، اما در اول تیموتائوس ۲:۱۲ است. و فکر می‌کنم این یک متن جالب است.

من از یک زن رنج بردم که به مردی تعلیم ندهد یا بر او اعمال قدرت نکند، این روشی است که شاه جیمز می‌خواند. این موضوع در طول دهه‌ها مطالعات اعتبارسنجی زیادی را ایجاد کرده است. حال، اگر به تفسیر تیموتائوس در تفسیر کتاب مقدس نگاهی بیندازید، نوشته‌ی ویلیام مونس است.

ویلیام مونس در مورد دستور زبان یونانی نوشته است. او در این زمینه با زوندروان کارهای زیادی انجام داده است. اما به نظر من، او تفسیر بسیار خوبی بر رساله اول تیموتائوس دارد.

در اول تیموتائوس ۲، نقل قولی از آن تفسیر برای شما آورده‌ام که می‌توانید آن را بخوانید و ببینید که چگونه این کار می‌کند. حال، یک نکته هست که می‌خواهم در مورد این مثال خاص بگویم. وقتی مونس اول تیموتائوس ۲:۱۲ را بررسی می‌کند و اعتبارسنجی را برای شما به تصویر می‌کشد، چیزی را برای شما به تصویر می‌کشد که من آن را اعتبارسنجی الهیاتی می‌نامم.

اعتبارسنجی الهیاتی در واقع گام دوم است. گام اول این بود که دیدگاه‌ها در مورد عبارات اول تیموتائوس ۲ آشکار شود. دقیقاً چه چیزی را نشان می‌دهد؟ او کمی جلوتر رفت و به چیزی پرداخت که من آن را اعتبارسنجی الهیاتی می‌نامم. اما هر دوی آنها اعتبارسنجی هستند.

بیا ببینیم که این چگونه کار می‌کند. به پایین صفحه ۱۵ توجه کنید. مطالب مربوط به اول تیموتائوس بسیار مفصل است. در محدوده این تفسیر، ورود به کل بحث امکان‌پذیر نیست ۲:۱۲.

با این حال، تفاسیر متفاوت، از آنجا که مستقیماً به معنای تاریخی متن مربوط می‌شوند، بررسی خواهند شد. انجام بیش از این، تأکید بیش از حد بر این یک قطعه را به دنبال خواهد داشت و از توجه به کل مجموعه رسائل شبانی برای ارائه بهترین مطالب، می‌کاهد.

حالا، او درباره دیدگاه‌ها صحبت می‌کند. چیزی که او درباره آن صحبت می‌کند، دیدگاه‌های حاصل از فهم اول تیموتائوس ۲:۱۲ بر اساس ساختارهای کلان-خلاقانه‌ای است که درباره زنان در خدمت صحبت می‌کنند. یکی از این دیدگاه‌های کلان، چیزی است که او آن را تفسیر مکمل متن می‌نامد.

سپس او از نویسندگانی مانند کاستنبرگر، پایپر، گرودم، مو، فونگ، هارلی و فو نام می‌برد. بسیار خوب، اینها افرادی هستند که دیدگاه مکمل گرایانه دارند. ببینید، این یک دیدگاه الهیاتی است.

بخشید، اما باید تفسیر دیگری ارائه می‌دادم که مربوط به عبارات متن است. و بعد می‌توانستید این دو را با هم مقایسه کنید، اما حداقل فعلاً، این تفسیری است که من دارم. سپس، دومین دیدگاه اصلی در مورد اول تیموتائوس ۲:۱۲، تفسیر برابری خواهانه نامیده می‌شود.

و او می‌گوید، به گریتز، پاول، زنان و معلمان و غیره مراجعه کنید. جایگاه زنان در خدمت کلیسا توسط گرودم، پرین، اسپنسر، مو و پین. در این مورد تبادل نظر کنید.

و بنابراین، او به شما می‌گوید، و آن را در پاورقی‌ها، یعنی در متون، ارائه می‌دهد. بسیار خوب، حالا به آنچه در ادامه می‌گوید توجه کنید. من سعی خواهم کرد از اصطلاحات متضادی مانند «به وضوح» یا «بدهی» و «نادیده گرفتن» دوری کنم.

به عبارت دیگر، وقتی درگیر بحث‌های مربوط به یک دیدگاه می‌شوید، اغلب از آن نوع اصطلاحات پرطمطراق، چه تصادفی و چه عمدی، استفاده می‌کنند. و از متهم کردن طرف مقابل به داشتن دستور کار یا هر تاکتیک دیگری که ممکن است به برجسب زدن و توهین منجر شود، خودداری کنید. من نتیجه‌گیری کسی را فرض او نمی‌نامم.

به عبارت دیگر، چیزی که او می‌گوید این است. مطمئن نیستم؛ بستگی به سن شما دارد؛ مطمئنم که به تصویرسازی من ربطی ندارد. اما سال‌ها پیش، هر هفته یک برنامه تلویزیونی در مورد این موضوع پخش می‌شد؛ این یکی از اولین برنامه‌های پلیسی بود.

و من حتی اسمش را هم درست یادم نیست. اما آنها یک نفر را داشتند که حقایق را گفت، فقط حقایق. تنها چیزی که ما می‌خواهیم حقایق است، همانطور که آنها تحقیقات خود را در مورد جنایات مختلف انجام دادند. آنها حقایق را می‌خواهند، و نظر شخصی نمی‌خواهند.

، اگر به دادگاه بروید، نظرات اهمیتی ندارند. آنها به دنبال حقایق هستند. آنها یک شاهد مستقیم می‌خواهند، نه یک شاهد فرعی.

و بنابراین، همین موضوع اینجا هم صادق است. مونس می‌گوید، من فقط می‌خواهم حقایق را به شما بگویم. شما باید تصمیم بگیرید. اما ما این دیدگاه‌ها را افشا می‌کنیم.

به نوشته‌ی پرننگ بعدی توجه کنید. اگر از بین این دو حوزه‌ی اصلی الهیاتی، یک موضع واقعاً واضح یا بدیهی بود، آنگاه هیچ موضع‌گیری به طور قابل توجهی متفاوتی از سوی محققان محترم وجود نمی‌داشت. می‌بینید او اینجا چه می‌گوید؟ این همان مسئله‌ی احتمال است.

علیرغم اینکه آیه‌ای با حدود هفت کلمه داریم که بسیار مورد بحث است، جامعه انجیلی را تقریباً از وسط به دو دیدگاه متفاوت در مورد زنان در خدمت تقسیم می‌کند. این خیلی مهم است، اینطور نیست؟ و مونس اشاره می‌کند که اگر متن آنقدر واضح بود که غیرقابل انکار بود، ما این مسئله را نداشتیم. بنابراین، می‌بینید این تفسیر همه چیزهایی را که با شما در موردشان صحبت کرده‌ام تأیید و منعکس می‌کند.

در رابطه با این موضوع که کتاب مقدس چگونه به ما می‌آموزد، چگونه ما از متون مقدس معنا می‌گیریم. بنابراین، مکمل‌گرایی و برابری‌طلبی ساختارهای خلاقانه‌ای هستند که از آموزه‌های مستقیم و ضمنی برای ایجاد ساختارهای خود بهره می‌برند. و سپس آنها به نوعی از درون ساختارهای خود استدلال می‌کنند.

راستش را بخواهید، تصویر خیلی خوبی نبوده است. من در جلسات حرفه‌ای بوده‌ام که این موضوع خیلی بی‌ثبات می‌شود. بنابراین، حتی با یک متن مشخص هم همه چیز خیلی واضح نیست، وگرنه اصلاً بحثی نداشتیم.

او ادامه می‌دهد، همانطور که شولر اظهار نظر می‌کند، مفهوم تفسیر واقعاً بی‌طرفانه کتاب مقدس یک افسانه است. حال، لطفاً منظور مرا بفهمید. لطفاً آن را در چارچوب آنچه به شما ارائه داده‌ام، درک کنید.

کتاب مقدس معتبر است و باید از آن اطاعت کرد. اما کتاب مقدس خود تفسیرگر نیست. صرفاً به این دلیل که شما آن را می‌خوانید و این معنی را برای شما دارد، هیچ معنایی ندارد.

برای فهمیدن معنی آن باید بفهمید. و منظور او اینجا همین است. آیا این که بگوییم یک دیدگاه، فقط یک دیدگاه وجود دارد و هر چیز دیگری اشتباه است، موضع تکبر است، نه موضع آگاهی.

ممکن است در نهایت تصمیم بگیرید که از بین چهار یا پنج دیدگاه، این دیدگاهی است که من به آن اعتقاد دارم و آن را بسیار دوست دارم. اما این به شما فرصتی نمی‌دهد که از دیگران به خاطر مخالفتشان بدگویی کنید. اگر واقعاً بفهمید چه می‌کنید، آن را با فروتنی می‌پذیرید، حتی اگر ممکن است با اعتقاد عمیقی به آن پایبند باشید.

هر تفسیری جایگاه اجتماعی دارد، به صورت فردی منحرف شده است، و از نظر کلیسایی، یعنی توسط کلیسا و الهیات، مشروط شده است. همه مفسران کتاب مقدس، صرف نظر از اینکه اکنون در مورد مسئله زنان در خدمت چه موضعی دارند، عمیقاً تحت تأثیر تبعیض جنسی و زن ستیزی فرهنگ ما و همچنین وقوع جنبش‌های حقوق زنان در قرن نوزدهم و فمینیستی قرن بیستم قرار گرفته‌اند. هیچ برجسی نمی‌تواند از رنجاندن کسی جلوگیری کند.

و با این حال از آنجایی که برجسب‌ها ضروری هستند، ما از برجسب‌ها در حوزه اعتبارسنجی الهیاتی استفاده می‌کنیم. بنابراین، این مثال، دیدگاه‌های حاصل از متن در اول تیموتائوس ۲:۱۲ را تأیید می‌کند و تعدادی از آنها وجود دارد. من قصد دارم مثال دیگری از متن دیگری برای شما ارائه دهم که به متن نگاه می‌کند، نه فقط به مواضع الهیاتی حاصل از آن.

اما این به شما نشان می‌دهد که کلمه تفسیر کتاب مقدس چه کاری انجام می‌دهد. حالا، وقتی مونس به عقب برمی‌گردد، و این برای من خیلی بزرگ است که بتوانم کمی کنم و به شما بدهم، وقتی مونس به تفسیرش برمی‌گردد، و به خود متن می‌پردازد، دو حوزه الهیاتی، مکمل گرایی و برابری گرایی، را در نظر می‌گیرد. وقتی به جزئیات نگاه می‌کند، آنها را دوباره به چشم می‌آورد.

چرا طرفداران مکمل گرایی آن را اینگونه می‌فهمند؟ چرا طرفداران برابری طلبی آن را اینگونه می‌فهمند؟ ببینید، این تمام چیزی است که ما فرآیند اعتبارسنجی می‌نامیم. و این تمام چیزی است که می‌خواهم نشان دهم. تفاسیر خوب این فرآیند را برای شما نشان می‌دهند. بنابراین، وقتی این نقل قول را با دقت بخوانید، خواهید دید که اعتبارسنجی همان چیزی را نشان می‌دهد که من ذکر کردم.

دیدگاه‌های مختلف در مورد متن، ایجاد ادبیاتی که نمایانگر آن دیدگاه‌ها باشد، و چالش ثبت و بررسی دیدگاه‌ها. چیزی که در این نقل قول کوتاه نمی‌بینید، بررسی عبارات متن توسط مونس است، همانطور که قبلاً به شما اشاره کردم. اکنون، مونس به طرح مسائل در چارچوب اول تیموتائوس ۲ و دیدگاه‌هایی که از طرح آن نتیجه می‌شود، می‌پردازد، همانطور که قبلاً به آنها اشاره کرده است.

می‌خواهم روی سه جمله آخر این صفحه ۱۶ تأکید کنم. نگران مهارت‌ها یا کمبود مهارت خود نباشید، بلکه با انجام این نوع مطالعه، سفری مادام‌العمر برای توسعه مهارت‌های خود آغاز کنید. به پاسخ‌های ساده برای مسائل دشوار قانع نشوید.

تحت تأثیر شخصیت قدرتمندی که سعی دارد شما را به سمت یک موقعیت خاص سوق دهد، قرار نگیرید. خداوند شما را به تفکر، قضاوت منطقی فراخوانده است، و گاهی اوقات بهتر است فقط بگویید، من باید قبل از شروع به ارائه نظر، این موضوع را مطالعه کنم. شاید شما برای این کار آماده نیستید و باید به مسائل نگاه کنید.

اگر صادق باشید و بگویید که در یک فرآیند هستید، می‌توانید خودتان را از بسیاری از غم‌ها نجات دهید. هرگز از اینکه در یک فرآیند هستید شرمند نباشید. هرگز از گفتن «نمی‌دانم» شرمند نباشید.

قبل از اینکه بتوانم در مورد آنچه واقعاً می‌گوید قضاوت کنم، باید با دقت به این موضوع نگاه کنم. بعضی افراد شما را به این موضوع سوق می‌دهند، اما تحت تأثیر این نوع فشارها قرار نگیرید. و می‌خواهم به شما بگویم که اگر در حال خدمت هستید یا قرار است به این سمت بروید، مردم دائماً شما را فریب می‌دهند تا با آنها همراه شوید.

کشیش، فکر نمی‌کنی این بهترین برداشت از این متن است؟ و تو در موقعیتی هستی که برای ناهار بیرون برده می‌شوی. شاید همین الان ۱۸ هو گلف بازی کرده‌ای، یا شاید فقط به عنوان دو دوست با هم کار، دیگری انجام داده‌ای، و ناگهان، این دستکاری از راه می‌رسد. فکر نمی‌کنی این بهترین برداشت است؟ خب، شاید اینطور نباشد.

حالا، چه کار می‌کنید؟ آیا دوستی‌تان در خطر است؟ اگر آدم خوب و صادق هستید و به تدریس علاقه دارید، نه فقط داشتن یک دیدگاه. می‌توانید به کسی که سعی دارد شما را دستکاری کند، با گفتن این جمله کمک کنید: «می‌دانی، باید دور هم جمع شویم و به منابعی که در دفترم در مورد معنای این موضوع دارم نگاهی بیندازیم و آنها را مطالعه کنیم.» می‌توانیم کتاب مقدس‌هایمان را بیرون بیاوریم و چند کشف‌المیزان و غیره و غیره پیدا کنیم.

بگذارید این یک فرآیند باشد. هرگز از این فرآیند کوتاه نیایید. بنابراین، همانطور که کتاب اول قرن‌تین را مرور می‌کنیم، این شعار اعتبارسنجی، این نگاه به دیدگاه‌ها، کنار هم قرار دادن آنها و قضاوت کردن، بارها و بارها مطرح خواهد شد.

حالا من نمی‌توانم این کار را با همه چیز در اول قرن‌تین انجام دهم. گاهی اوقات به شما یک دیدگاه می‌دهم. من معمولاً همیشه آن را از این دیدگاه که گزینه‌های دیگری هم وجود دارد، کنار هم می‌گذارم.

اما واقعیت این است که خیلی عظیم است. خیلی عظیم است. اما من شما را در جریان اتفاقات و نحوه‌ی پیشرفت‌مان قرار خواهم داد.

حالا اجازه دهید به یک مثال دیگر در مورد اعتبارسنجی پردازم، و این مثال کمی بهتر از مثال الهیاتی کوه. عمل می‌کند. این مثالی است از معنای آیات خاص. این مثال از اول قرن‌تین ۱۴ آیه ۳۳ آمده است.

اگر بتوانم آن را پیدا کنم، باید جای خودم را علامت می‌زدم. اول قرن‌تین ۱۴:۳۳.

صفحات نازک کتاب مقدس. اینگونه است که می‌توانند چیزی به بزرگی کتاب مقدس را در کتابی کوچک‌تر بگنجانند. اول قرن‌تین ۱۴:۳۳.

نگاه می‌کنم. همچنین دارم به NIV، توجه کنید که می‌گویم آیه ۳۳. حالا دارم به نسخه بین‌المللی جدید. نسخه ۲۰۱۱ هم نگاه می‌کنم.

اینجا جایی است که دوباره پاراگراف‌بندی مطرح می‌شود. برای مثال، به جای اینکه پاراگراف را با ۳۳ب در وسط آیه ۳۳ بشکنید، به یاد داشته باشید که هیچ آیه‌ای در نسخه‌های خطی اصلی وجود نداشت. به آیه ۳۳ توجه کنید.

زیرا خدا خدای بی‌نظمی نیست، بلکه خدای صلح است، همانطور که در تمام جماعت‌های قوم خداوند چنین است. به خط تیره بعد از نیمه اول توجه کنید. خدا خدای بی‌نظمی نیست، بلکه خدای صلح است.

داش. همانطور که در تمام اجتماعات قوم خداوند وجود دارد. حال سوال این است، و حتی آن حرف آمده باشد، دو روش f در پایین صفحه احتمالاً این نکته را به شما گوشزد می‌کند، هر جا که آن f کوچک برای نگاه به این موضوع وجود دارد.

می‌تواند پاراگراف بعدی را باز کند. یا ۳۳ تمام می‌کند، و ۳۴ می‌تواند پاراگراف قبلی را ببندد، و ۳۳a ۳۳ شروع می‌کند. بنابراین، سوال این است که همه این جماعت‌ها به چه چیزی اشاره دارند؟ چه چیزی قبل یا بعد از آن بوده است؟ می‌بینید، این یک مسئله بسیار بسیار مهم است.

فقط باید اینجا اشاره کنم که علائم نگارشی در کتاب مقدس شما بسیار زیاد است. در عهد جدید یونانی من، مجموعه‌ای کامل از پاورقی‌ها در مورد علائم نگارشی دارم که تمام نسخه‌ها و نحوه‌ی نقطه‌گذاری آیات را نشان می‌دهد، جایی که قرار دادن ویرگول یا نقطه یا تورفتگی پاراگراف می‌تواند کل معنای یک متن را منحرف کند. در اینجا، اگر مانند تمام جماعت‌های قوم خداوند با آیه ۳۴ قرار دهیم، انگار پولس یک الزام را اعلام می‌کند.

اگر آیه ۳۴ را با این جمله شروع کنیم که زنان باید ساکت بمانند، آنگاه به یک فکر جدید رسیده‌ایم، و لزوماً به آیه ۳۳ مرتبط نیست. بنابراین، من آیه ۳۳ را در بالای مثال خود آوردم تا توجه شما را به این نکته جلب کنم. خب، اما نکته چیست؟ زنان باید در کلیساها ساکت بمانند.

آنها اجازه صحبت ندارند، طبق قانون باید مطیع باشند. اگر می‌خواهند چیزی بپرسند، باید از شوهران خودشان در خانه بپرسند. حالا، شاید شما از این متن به نفع خودتان در رابطه با همسران استفاده کرده‌اید.

ممکن است به ضرر شما بوده باشد، زیرا آخرین کاری که می‌خواهید انجام دهید این است که همسران را به عنوان یک متفکر انتقادی سرکوب کنید و او را مجبور کنید با آنچه شما می‌خواهید مطابقت داشته باشد. بنابراین، در نحوه استفاده از این متن بسیار مراقب باشید. اما این متن بسیار بسیار مورد بحث است.

چرا؟ خب، دلیلش این است. در اول قرن‌تین ۱۱، که بعداً به آن خواهیم پرداخت، پولس عبادت عمومی و مشارکت زنان در عبادت عمومی را تأیید می‌کند. او آنها را به عنوان شرکت‌کننده، نه ربات، تأیید می‌کند.

این تقریباً غیرقابل انکار است، با وجود تمام دیدگاه‌های مختلف در مورد زنان. حالا، در فصل ۱۴، با این نوع بیانی‌ه مواجه می‌شویم. زنان باید ساکت باشند.

بنابراین، بلافاصله در طول سه یا چهار فصل این سوال مطرح می‌شود: پاول، چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ تو این را اینجا به ما می‌گویی، و حالا داری این را اینجا به ما می‌گویی. این موضوع زنگ خطر را به صدا در می‌آورد. بسیار خب.

بنابراین در اینجا من یک مدل از انجام اعتبارسنجی را به شما ارائه داده‌ام. به توضیحات داخل پرانتز تیره من درست در بالای این متن، درست زیر تمرین مصور، توجه کنید. اولین وظیفه در اعتبارسنجی، تعریف مشکل یا مسئله مورد بررسی است.

این کار مستلزم پیش‌تحقیق کافی برای درک و بیان مشکل است. به عبارت دیگر، شما باید تحقیق کنید تا حتی بدانید این مشکلات کجا هستند. وقتی آنها را پیدا کردید، آنگاه با حدیث بیشتری به سراغشان می‌روید.

مشکل آشکار. مشکل اینجاست. اول قرن‌تین ۱۱ مشارکت زنان در خدمات عمومی کلیسا را تأیید می‌کند.

به نظر می‌رسد اول قرن‌تین ۱۴ کاملاً برعکس این را می‌گوید. زنان باید بدون استثنا ساکت باشند. در خانه با شوهران خود مشورت کنند.

چطور این را تطبیق می‌دهید؟ بسیار خب. وظیفه دوم اعتبارسنجی است. حالا شما مشکل را بیان کرده‌اید.

شما می‌دانید با چه چیزی سر و کار دارید. وظیفه دوم ثبت دیدگاه‌های مختلف است. حالا جستجوی مقاله شروع می‌شود.

شما می‌روید و بهترین نظرات خود را دریافت می‌کنید. می‌بینید که آنها چه می‌گویند. می‌بینید که دیگران چه می‌گویند.

سعی می‌کنی بقیه رو پیدا کنی تا این لیست رو به رشد رو داشته باشی. ببین این چیه. آگه تو مدرسه باشی اینجوری به مقاله می‌نویسی.

شما این لیست رو به رشد از نمایندگان دیدگاه‌ها را دارید. حالا من این کار را انجام داده‌ام و آنها را در بخش بعدی ثبت کرده‌ام. این دیدگاه‌ها هستند.

نکته‌ی اول. می‌توانید این را به همان شکلی که هست بپذیرید. یعنی، زنان ساکت شوند.

و اول قرن‌تین ۱۱ را نادیده بگیرید. بسیاری از ادبیات عامه‌پسند این کار را می‌کند. این متون را طوری از هم جدا می‌کند که انگار هیچ ارتباطی با هم ندارند.

حالا، در ستون سمت راست، که من آن را پر نکرده‌ام. اگر کسی را پیدا کنید که این را بگوید، چه کار می‌کنید؟ من هرگز یک کتاب واقعی پیدا نکرده‌ام.

این یک تفسیر واقعی است که این را می‌گوید. اما برخی از متون رایج هم این کار را انجام می‌دهند. و موعظه‌هایی هم وجود دارد که این کار را انجام می‌دهند.

شما استدلال‌ها را مطرح می‌کردید. چرا آنها این را می‌گویند؟ در مورد این متن. بسیار خب.

دیدگاه دوم. فصل ۱۴. زمینه نبوت.

این یک زمینه‌ی نبوتی است. و در مورد تعلیم معتبر صحبت نمی‌کند. بلکه در مورد تعلیم نبوی صحبت می‌کند.

به عبارت دیگر، دو نوع تعلیم در جریان است. زنان قرار نیست نبوت کنند. اما این به معنای تعطیلی آنها از نظر تعلیم معتبر نیست.

خب، هرلی و کارسون هستند. دو محقق ما در این مورد مسائلی را مطرح کرده‌اند. و زمینه فصل ۱۴.

دیدگاه سوم. درون‌یابی. کانزلمن، گوردون فی نویسنده‌ای بسیار محافظه‌کار است.

و فیلیپ پین، که روی نسخه‌های خطی کار کرده است، ادعا می‌کند که آن متن در اصل در نسخه‌های خطی یونانی اول قرن‌تین ۱۴ نبوده است. بلکه در حاشیه بوده و بعداً اضافه شده است.

حالا شما می‌گویید که این خیلی عجیب و غریب است. خب، خیلی عجیب و غریب نیست چون فیلیپ پین واقعاً به این نسخه‌های خطی نگاه کرده و نوشته‌هایی نوشته است تا نشان دهد که این یک احتمال است. گوردون فی یکی از منتقدان اصلی متن‌شناسی رساله اول قرن‌تین است.

او در تفسیر خود بر رساله اول قرن‌تین، بیش از هر تفسیر دیگری، به نقد متنی پرداخته است. بنابراین، اینها افراد بی‌تجربه و یا حتی محققان لیبرال نیستند.

هر دوی آنها محققان محافظه‌کار هستند. اما ما نگران لیبرال و محافظه‌کار بودن آنها نیستیم. ما نگران حقایق هستیم.

چه چیزی ارائه شده است؟ و این یکی از دیدگاه‌ها است. فصل ۱۴ زمینه‌ای از پیشگویی دارد.

و نه با آموزش معتبر. حالا، دیدگاه دیگری هم وجود دارد. درون‌یابی

این وارد شده است. این اصلی نبود. این یک دیدگاه چهارم است.

حالا این یکی نوشته‌ی یک محقق لیبرال است. فیورنزا. مردسالاری فمینیستی پائولین

مطمئناً این دیدگاه برای من و دیگران کاملاً دور از ذهن خواهد بود. اما برای فیورنزا اینطور نیست. او فقط پاول را مردسالار می‌داند. و او یک فمینیست کاتولیک رومی است. اما او یک دیدگاه است. آن دیدگاه منتشر شده و باید ثبت شود.

بسیار خب. پنجم. این بیانیه مربوط به قوانین خانواده است و نه به مجمع عمومی. این یک مسئله مربوط به قوانین خانواده است. این مسئله مربوط به مجمع عمومی نیست.

بنابراین، برای فصل ۱۱ مشکلی نخواهد بود. این دیدگاه توسط کسی جز ای. ارل الیس ارائه نشده است. ای. ارل الیس یک محقق محافظه‌کار برجسته و خوب است که اگر درست به خاطر بیاورم، اکنون از میان ما رفته است.

من مدتی است که از تاریخ او بی‌خبرم. اما او مفسر بسیار خوبی است. او مقالاتی در این مورد نوشته است.

و در کتاب‌شناسی آمده است. دیدگاه ششم. پاسخ به شعار قرن‌تین

، در مقدمه بیشتر در این مورد صحبت خواهم کرد. اما یکی از چیزهایی که کتاب اول قرن‌تین را پیش می‌برد نقل قول پولس از زیرگروه‌های درون قرن‌تین و سپس پاسخ به آنهاست. و برخی می‌گویند این نقل قول در مورد سکوت زنان، زیرگروهی است که زنانی را که با فصل ۱۱ همخوانی ندارند، سرکوب می‌کند و پولس آنها را مورد خطاب قرار می‌دهد.

این یک دیدگاه اصلی است. اتفاقاً دیدگاهی است که من آن را بسیار قانع‌کننده می‌دانم - پاسخی به شعارهای قرن‌تین.

خب، برای اینکه بتوانید با آن ارتباط برقرار کنید، باید در مورد قرن‌تیان بدانید. و مورد آخر، کنایه طعنه‌آمیز پولس است که شاید کمی شبیه مورد ششم باشد. اما نویسنده خودش، مقاله خودش را دارد و باید به آن نگاه کنید.

بنابراین، فقط با بررسی دیدگاه‌هایی که در کتابشناسی زیر ارائه شده‌اند، هفت دیدگاه را فهرست کرده‌ام. این قطعاً همه دیدگاه‌ها نیست. حالا، وظیفه من چیست؟ خب، وظیفه من فهرست کردن مزایا و معایب از طریق ادبیاتی است که ارائه داده‌ام.

و بعد برای انجام ارزیابی، خواهید گفت، متأسفم، این کار خیلی زیادی است. بله، کار زیادی است. دوستان من، تفسیر کتاب مقدس یک بازی تماشایی نیست.

تفسیر کتاب مقدس یعنی رفتن به دل خاک، کندن و بیرون آوردن این مطالب از دل خاک و پرداختن به آنها. نمی‌توانید این کار را یک شبه انجام دهید. باید یک فرآیند یادگیری مادام‌العمر باشد.

و گاهی اوقات، وقتی در بحبوحه مسائلی هستید، مثلاً وقتی کشیش یا رهبر مسیحی هستید، باید وقت بگذارید و تلاشی جمعی برای مطرح کردن این مسائل انجام دهید تا بتوانید حقایق و دیدگاه‌ها را مطرح کنید. روی آنها کار کنید و در موردشان بحث کنید و به قضاوتی منطقی در مورد آنچه فکر می‌کنید بهترین پاسخ است، برسید. بنابراین، به طور خلاصه، طرحی کلی را برای شما ارائه داده‌ام که فرآیند اعتبارسنجی این متن در اول قرن‌تیان فصل ۱۴ را آغاز می‌کند. حال، بعداً به طرق دیگر به این موضوع باز خواهیم گشت.

اما فعلاً، مسئله اعتبارسنجی مطرح است. این یک چیز مرموز و پنهانی نیست. فقط کار پیدا کردن منابع خواندن منابع، ثبت گفته‌های آنها، جستجوی آنچه که آنها دارند، نه آنچه که گزارش می‌دهند و شخص دیگری می‌گوید، و تهیه فهرست خود و سپس دنبال کردن ادبیات است تا بتوانید دلایل موافق و مخالف را به دست آورید و ببینید که چگونه آنها با یکدیگر بحث می‌کنند.

گاهی اوقات، آنها حتی در این تفسیرهای مختلف از یکدیگر نقل قول می‌کنند، و می‌توانید ببینید که این روند در حال انجام است. این تفسیر کتاب مقدس است. این یک بازی تماشایی نیست.

شما باید به آنجا بروید و دستتان خود را با اطلاعات پر کنید تا بتوانید آن را پردازش کنید. حال، من در مورد ما صحبت می‌کنم، به ویژه کسانی که ادعا می‌کنند برای رهبری مسیحی فراخوانده شده‌اند. ما باید این کار را انجام دهیم تا بتوانیم آن را با دیگران به اشتراک بگذاریم.

همانطور که پولس می‌گوید، ما باید کارگر باشیم. او از استعاره‌ی کار سخت استفاده می‌کند و می‌گوید اگر آن کار را انجام ندهیم، باید شرمند باشیم. پولس می‌گوید کارگری باشید که شرمند نباشد.

اینکه این موضوع را به فرآیند قضاوت جامعه مسیحی در مورد آموزه‌های کتاب مقدس بیاوریم، به همین اندازه جدی است. و بله، زمان می‌برد.

اما ما زندگی خودمان را داریم. ما تمام تلاشمان را می‌کنیم. اما می‌خواهم بگویم که ترجیح می‌دهم در پایان روز در مقابل خدا بایستم و بگویم، پروردگارا، من تلاشم را کردم تا اینکه در مقابل خدا شرمند باشم، چون به جای انجام کاری که خدا را جلال می‌دهد، فرضیاتی داشتم، به جای اینکه به طور جدی با کلام خدا سر و کار داشته باشم.

امیدوارم شما هم سوار آن قطار شوید. فکر می‌کنم اطلاعاتی به شما داده‌ام که می‌تواند به شما در درک ماهیت آن قطار کمک کند. لطفاً این سه اصل بزرگی را که در موردشان صحبت کردیم، مرور کنید.

ما این بخش از مقدمه‌ی رساله‌ی اول قرن‌تین را پشت سر گذاشتیم. قدم بعدی پرداختن به خود کتاب اول قرن‌تین خواهد بود. من مقدمه‌ای نسبتاً مفصل در مورد موقعیت قرن‌تین در متن رساله‌ی اول قرن‌تین و مواردی از این دست دارم که در سخنرانی بعدی به آنها خواهیم پرداخت.

باید بری و دفترچه یادداشت شماره پنج رو برداری. دفترچه یادداشت شماره پنج مقدمه رساله اول قرن‌تین هست. یه کم طولانیه.

بعداً طول آن را برای شما توضیح خواهم داد. چیزهای زیادی وجود دارد که فوراً برای شما آشکار نخواهد شد و باید در مورد آنها به شما بگویم. نقل قول‌های زیادی از نویسندگان باستانی در مورد شهر کورینت وجود دارد.

من در آن مقدمه چیزهایی را قرار داده‌ام که می‌توانید خودتان به آنها نگاه کنید، اما برای شما توضیح نمی‌دهم که کجا می‌توانید ببینید یک نویسنده باستانی درباره شهر کورینت چه گفته است. می‌توانید تصویر کورینت و برخی از ویرانه‌های آن را ببینید. در کل این مطلب، یک بخش باستان‌شناسی و یک بازسازی تاریخی از جغرافیا و محیط آن شهر وجود دارد.

این چیزی است که شما به انتخاب خودتان روی آن کار خواهید کرد، و ما آن را در سایت در دسترس شما قرار خواهیم داد تا بتوانید آن را دنبال کنید. سخنرانی من بر چند [BiblicaleLearning](#) چیز دیگر تمرکز خواهد داشت. اندازه بسته لزوماً به این معنی نیست که ماه‌ها طول می‌کشد تا مقدمه را تمام کنیم.

تو باید اون بسته رو بیرون بیاری. باید روش کار کنی. این چیزیه که دوست دارم در ادامه بهت پیشنهاد بدم.

شما بسته ارائه بعدی را بیرون می‌کشید. پیش‌نمایشی از آن ارائه می‌دهید تا ببینید چه چیزی قرار است ارائه شود. متن کتاب مقدس را می‌خوانید.

شما یک تفسیر می‌خوانید. سپس، به ارائه من گوش می‌دهید، و وقتی به ارائه می‌رسید، زمینه‌ای خواهید داشت تا احساس نکنید که گم شده‌اید. سپس ارائه‌ای را که من می‌دهم رها می‌کنید و به آن مطالب برمی‌گردید، و این باعث می‌شود که مطالب بسیار معنادارتر شوند.

این یک فرآیند است. آمدن و رفتن. گوش دادن به یک سخنرانی ممکن است یک بار نباشد.

ممکن است احساس کنید که باید بیش از یک بار گوش دهید. این کاملاً اشکالی ندارد. می‌خواهم بدانید که چه کاری برای شما انجام داده است [BiblicaleLearning](#) سایت.

این سایت برخی از بهترین اطلاعات روی کره زمین را از دل تحقیقات کتاب مقدس گردآوری کرده و آن را به رایگان در اختیار شما قرار داده است، فارغ از آنچه من می‌فهمم. وای! این فوق‌العاده است. بعضی از مردم هزاران دلار می‌پردازند تا به اساتیدی که شما از طریق این رسانه به آنها دسترسی دارید، دسترسی داشته باشند.

از آن نهایت استفاده را ببرید. حتی به صورت گروهی انجامش دهید. دو یا سه نفر از شما می‌توانند به یک ارائه گوش دهند.

می‌توانید آن را خاموش و روشن کنید. می‌توانید هر زمان که دوست دارید ما را ساکت کنید. در مورد چیزها صحبت کنید و سپس دوباره به آن پردازید.

حتی اگر دوست دارید می‌توانید سوالات خود را برای من ایمیل کنید. پس، سفر را شروع کنید. سوار قطار شوید.

بیاپید با هم از این لذت ببریم. متشکرم، و روز خوبی داشته باشید.

این دکتر گری میدورز در حال تدریس در مورد کتاب اول قرن‌تیان است. این سخنرانی شماره ۵ با عنوان «تمرین فرآیند اعتبارسنجی در مطالعه کتاب مقدس» است.